

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکم داد و ستد بانک‌های اسلامی



(ترجمه)

پرسش:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

شیخ بزرگوار! از جناب شما می‌خواهم که حکم داد و ستد بانک‌های اسلامی را بخصوص مسأله بیع مرابحه، مانند خریداری موتور یا خانه را از طریق بانک‌های اسلامی واضح سازید؟ می‌فهمم که این نوع داد و ستد حرام است، ولی وقتی می‌خواستم کسی را در رابطه به این مسأله نصیحت کنم، نتوانستم موضوع را برایش به تفصیل شرح دهم، و می‌خواهم موضوع را از طریق ارایه مثال از واقعیت فعلی خویش که مردم در داد و ستد خویش آن را با بانک‌های اسلامی تشبیه می‌کنند، بیان کنم. در شهر ما شرکت‌های تعمیراتی است که برای اعمار خانه‌ها به شکل اقساط (قسطوار) با آن‌ها در مقابل فیصدی معین بر مشتری‌ها (بطور مثال 15 درصد) قرارداد می‌نمایند و این قرارداد شامل فلزکار، نجار، سمنت‌فروش و... می‌شود، این‌ها با مشترکین دیگر کدام ملکیت در آن ساختمان‌ها ندارند، پس آیا میان این قرارداد و آن داد و ستد فرقی وجود دارد؟

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

داد و ستد بانک‌های اسلامی که مسمی به بیع مرابحه اند، معاملات مخالف شرع می‌باشند، و این مخالفت از وجوه مختلف می‌باشد که در ذیل به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌نمائیم:

اول: در این بانک‌ها داد و ستد با مشتری قبل از این‌که بانک جنس مانند موتور، یخچال و غیره را خریداری کرده و مالک آن شود، صورت می‌گیرد. این در حالی است که رسول صلی الله علیه وسلم از فروش آن چه مالک‌اش نباشی منع کرده است، چنان‌چه در حدیث شریف آمده است:

امام احمد از حکیم ابن حزام روایت نموده که گفت: گفتم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم شخصی می‌آید و از من چیزی را می‌خواهد بخرد که آن شیء نزد من نیست تا برایش بفروشم، باز من آن جنس را از بازار برایش خریداری می‌کنم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا تَبِعْ مَا لَيْسَ عِنْدَكَ»

ترجمه: آن چه را که در دست نداری نفروش.

در این حدیث حکیم بن حزام از رسول صلی الله علیه وسلم پرسیده است: مشتری می‌آید که جنسی را از بایع بخرد که نزدش موجود نیست و پول مشتری را گرفته و بعداً به بازار می‌رود تا جنس را خریداری کرده باز برایش بفروشد، این شخص را رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از فروختن کالا قبل از قبض منع کرده است؛ مگر این‌که جنس نزدش موجود باشد و آن را به مشتری عرضه نماید که اگر خواست بخرد و اگر نخواست نخرد.

برای توضیح این مسأله چنین می‌گوییم: شخصی که می‌رود و از بانک قرضه طلب می‌کند... صاحب بانک از وی می‌پرسد چرا قرض و یا پول می‌خواهی؟ شخص مذکور می‌گوید: می‌خواهم یخچال یا موتور، یا ماشین کالاشوئی... بخرم، پس بانک معامله را چنین با شخص مذکور توافق می‌کند که یخچال را برایش می‌خرد و بعداً آن را بالای وی به این نرخ؛ ولی قسطوار می‌فروشد، و این خرید را قبل از این‌که بانک یخچال را بخرد، لازمی می‌گرداند و بعد از آن بانک یخچال را برای شخص خریداری می‌کند، در این هنگام شخص نمی‌تواند که خریدن یخچال را لغو کند؛ زیرا توافق و قرارداد بین بانک و شخص خریدار قبل از این‌که بانک مالک یخچال شود، صورت گرفته، که این قرارداد قبل از این‌که بانک مالک یخچال شود، صورت گرفته است. گفته نمی‌شود که بانک یخچال را بعد از این‌که خریداری کرده، بالای مشتری فروخته است، زیرا توافق بانک همراهی مشتری برای خریدن جنس به وجه الزامی قبل از این‌که بانک جنس را بخرد، تمام شده، به این منظور که مشتری حق پشیمانی و لغو معامله را بعد از این‌که بانک آن را برایش خریداری کند، ندارد، پس قرارداد به شکل لازمی قبل از این‌که بانک آن را خریداری کرده باشد، صورت گرفته است. اگر نزد صاحب بانک مخزنی از یخچال‌ها باشد و برای شخص خریدار عرضه کند، که اگر خواست بخرد و اگر نخواست نخرد، مانند خریداری از دوکان‌های دیگر، در این صورت بیع هم به نقد صحیح می‌باشد و هم به قسط.

دوم: هرگاه مشتری در پرداخت قسطی از اقساط تأخیر کند، زیادت دین بالای مشتری جواز ندارد؛ زیرا این کار سود است و این نوع سود را سود نسیئه می‌نامند، که در جاهلیت معمول بود و هرگاه ميعاد پرداخت دین تمام می‌شد و مدیون قادر به پرداخت ميعاد موعود نمی‌بود، باز دین زیاد می‌شد؛ چون اسلام آمد چنین معامله را به طور قطعی حرام قرارداد و اسلام مدیون تنگ‌دست را بدون زیادت در دین مهلت داده است، چنان‌چه الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم فرموده است:

﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

[بقره: 280]

ترجمه: و اگر (بدهکار) تنگ‌دست باشد، پس مهلت (برایش داده) می‌شود تا گشایشی فرارسد و اگر ببخشید، برای تان بهتر خواهد بود؛ اگر دانسته باشید.

بنابر قاعده فوق الذکر، چنین معامله‌ای همراهی بانک جواز ندارد.

اما آن چه از مقاولات(قراردادها) ذکر نمودید، موضوع متفاوت و مختلف می‌باشد، زیرا در این عقد خرید خانه‌ای غیرملکیت مقاول(قرارداد کننده یا اجاره‌کار) نیست، بلکه مسئله چنین است که صاحب زمین همراهی مقاول بر اجاره ساختار منزل توافق و قرارداد می‌نماید، به این مواصفات که وی منزل را در مقابل اجرتی می‌سازد که صاحب منزل آن اجرت را به صورت اقساط حسب پیشبرد کار برای مقاول می‌پردازد، که در این جا عقد خرید منزلی نیست که هوائی بوده و ملکیت هیچ احدی نباشد. اما اگر واقعتاً چنین باشد که این معامله خرید اپارتمانی باشد که تا به حال ساخته نشده است و مقاول نیز بطور صحیح در آن تملک و تصاحب نداشته باشد، چنین بیع صحیح نمی‌باشد.

برادر شما عطاء ابن خلیل ابوالرشته

24 رجب 1434 ه.ق

3 جون 2013 م